

## جامعه اطلاعاتی - انفجار اطلاعات: فوبیای اطلاعاتی

سیده زهرا اجاق

### چکیده

در این مقاله فوبیای اطلاعاتی و نسبت آن با جامعه اطلاعاتی بررسی می‌شود و مطالب آن مشتمل است بر چهار بخش، در بخش نخست به تشریح فوبیا می‌پردازیم. در بخش دوم جامعه اطلاعاتی را در دو بخش زیربنای جامعه اطلاعاتی و اطلاعات مطالعه می‌کنیم. در بخش سوم نسبت جامعه اطلاعاتی و فوبیای اطلاعاتی با تکیه بر نظریات مانوئل کاستلز و تنی چند از اندیشمندان این رشته تحلیل شده است. بالاخره در بخش چهارم فوبیای اطلاعاتی به منزله نوعی بحران در جامعه ایران مطالعه می‌شود و پس از اثبات بحران بودن فوبیای اطلاعاتی، پیشنهادهایی برای نحوه مدیریت آن ارائه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: جامعه اطلاعاتی، فوبیا، اطلاعات، ضد اطلاعات، انفجار اطلاعات، فقر اطلاعاتی، فوبیای اطلاعاتی، ترس اطلاعاتی واقعی، ترس اطلاعاتی خیالی، فاصله دیجیتال.

### مقدمه

در تحلیل واژه یونانی فوبیا<sup>۱</sup> به تشریح شرایط روانی‌ای می‌پردازند که تعادل و آرامش فرد را مختل می‌کند. یکی از عوامل برهم زننده تعادل روحی و روانی افراد دریافت اطلاعات بسیار، نامنسجم و طبقه‌بندی نشده است که تشخیص درستی و نادرستی اطلاعات دریافت شده را برای دریافت‌کننده دشوار یا ناممکن می‌کند.

جامعه اطلاعاتی براساس اطلاعات و شبکه‌های اطلاعاتی بنیان نهاده شده است و مستعد ایجاد شرایط لازم برای چنین بحرانی است. در جامعه اطلاعاتی، اطلاعات فراوان با سرعت بسیار در مورد موضوعی خاص در اختیار کاربر شبکه اطلاعاتی قرار می‌گیرد. به دلیل نبود امکان نظارت و رعایت استانداردهای لازم در انتشار مطالب از طریق سایتها، دریافت اطلاعات غلط، مشکوک و ضداطلاعات در کنار اطلاعات صحیح ممکن است. پیشرفت فناوری اطلاعاتی، افزون بر آنکه امکان دستیابی به اطلاعات را افزایش داده است، ورود اطلاعات به درون شبکه را نیز برای همه تسهیل کرده است. با حمایت مایکروسافت از زبانهای فارسی و عربی و ایجاد استانداردهای مناسب، سایتهای فارسی زبان افزایش یافته‌اند. در این میان رشد انفجاری وبلاگها مشاهده می‌شود. ایران مسیر خطی ورود به جامعه اطلاعاتی و جهان مجازی را طی نکرده است و هنوز عصر صنعتی را پشت سر گذاشته، اما همان‌طور که مشاهده می‌شود وارد جریان جامعه اطلاعاتی شده است.

مقام سوم وبلاگهای فارسی نیز شاهدهی بر این ادعاست. در حالی که برای حضور گسترده و مؤثر در جامعه اطلاعاتی و ایفای نقش در آن و نه صرفاً حضور در جریان جامعه اطلاعاتی، به تهیه و پردازش اطلاعات علمی، مستند و آمارهای روزآمد و قابل اطمینان نیاز است. متأسفانه در ایران به علت تفکیک نکردن صحیح مسؤولیتها، تهیه و نظارت بر نوع و طبقه‌بندی اطلاعات به سبب غیاب متصدی متخصص و مشخص برای هر یک از این امور، امکان ورود اطلاعات نادرست و جعلی به شبکه‌های اطلاعاتی بسیار است. اکنون در همه جای دنیا، گیرنده اطلاعات همزمان در خطر انفجار اطلاعات و فقر اطلاعاتی است. دریافت اطلاعات فراوان، بدون توانایی تشخیص درست از نادرست و واقعی از خیالی منجر به فقر اطلاعاتی می‌شود.

در این شرایط مصرف‌کننده اطلاعات دچار نوعی آشوب ذهنی و سردرگمی می‌شود. مصرف‌کننده اطلاعات در صورت داشتن قدرت تخیل قوی، تحت تأثیر دریافت اطلاعات و ضد اطلاعات نگران‌کننده، دچار ترس و توهم می‌شود که ترس یا فوبیای اطلاعاتی خیالی نامیده می‌شود. این وضعیت آسیب جدی روحی، روانی و حتی جسمی جدی به فرد وارد می‌کند.



فناوری اطلاعات به خاطر وابستگی به دانش و زیربناهای اطلاعاتی، امکان سوء استفاده را برای تعدادی از انسانها تسهیل می‌کند، لذا ترس از تخلیه حسابهای بانکی، سوء استفاده از اسم رمز و... ترس و فوبیای واقعی است که انسان جامعه اطلاعاتی به آن دچار می‌شود.

در جامعه اطلاعاتی اختلاف سطح فقیر و غنی را فاصله دیجیتالی تعیین می‌کند و نه امکانات مادی، میزان فقر یک جامعه براساس میزان تولید اطلاعات علمی، متقن و درست مشخص می‌شود.

به دلیل وضعیت مذکور در ایران و فاصله دیجیتالی فراوان یا شکاف دیجیتالی عمیق، امکان رخداد فوبیای اطلاعاتی در افراد مستعد فراوان است. از این رو، راهبردهای مدیریتی برای حل این بحران افزایش توانایی تشخیص افراد، اعتماد سازی در مردم نسبت به منابع رسمی، کسب اعتبار برای منابع اطلاعاتی داخلی و... پیشنهاد می‌شوند.

## فوبیا

واژه فوبیا از زبان یونانی گرفته شده و معادل ترس است. روان‌شناسان از واژه فوبیا برای تشریح شرایط روان‌شناسانه‌ای سود می‌جویند که در افراد مبتلا، اختلالات شدید ایجاد می‌کند. فوبیا رایجتر از اضطراب است.

در تحقیقی که در انستیتوی ملی بهداشت روانی امریکا صورت گرفته است، نشان داده شده است که حدود ۵۱ تا ۲۱۵ درصد آمریکاییها از فوبیا رنج می‌برند. بر مبنای این مطالعه فوبیا رایجترین بیماری روحی در میان زنان در همه گروههای سنی و دومین بیماری رایج در مردان بالای ۲۵ سال است.

این واژه اکنون یک مفهوم میان رشته‌ای است که افزون بر روان‌شناسی به سایر رشته‌های علمی نیز تسری یافته است. نژاد، ژنتیک و ترکیب شیمیایی مغز از عوامل مؤثر در توسعه اختلالاتی مانند اضطراب و فوبیا محسوب می‌شوند. تغییرات ایجاد شده در محیط زندگی نقش عمده‌ای در توسعه این قبیل اختلالات دارد.

روان‌شناسان فوبیا را در سه دسته طبقه‌بندی می‌کنند:

۱. فوبیای اجتماعی، ترس از تعامل با دیگران و روابط اجتماعی مانند ترس از

حضور یافتن در جمع، احساس خجالت و ناراحتی هنگام خوردن چیزی در میان جمع؛  
۲. فوبیای خاص، ترس و واکنش بی‌جهت از یک چیز خاص مثل سگ، پرواز، آب و غیره؛

۳. آگورا فوبیا، ترس زیاد از ترک خانه یا محیط امن خانواده، و البته این هراسهای بی‌جهت و اجتناب‌ناپذیر، ممتد هم هستند.

آگورا فوبیا تنها فوبیایی است که به عنوان یک وضعیت بیماری، فرد را تهدید می‌کند. به نظر می‌آید می‌توان برای فوبیا طبقه‌بندی زمانی نیز در نظر گرفت:

۱. مواردی که روان‌شناسان به منزله عامل ایجاد فوبیا معرفی کرده‌اند همواره با انسانها بوده‌اند. از جمله در نخستین دوره زمانی مورد نظر که آن را فوبیای پیش از مدرن می‌نامند.

۲. فوبیای مدرن مربوط به عصر صنعتی و ظهور فناوریهای انقلابی است. در قرن نوزدهم، علم، کارهای زیادی کرد و این اعتماد را در انسان به وجود آورد که می‌تواند بر بسیاری از خطرات فائق آید. اما به مرور زمان مشخص شد که فناوریهای نوین علاوه بر محاسن، معایبی نیز دارند. عصر صنعتی از میزان ارتباط انسانها با یکدیگر کاست و روابط جدیدی را جایگزین روابط سنتی کرد و انسان‌ها شده از ارتباط سنتی به فوبیای تنهایی، سردرگمی، تغییر فرهنگی و مشابه آنها گرفتار شد.

ویلیام اگبورن (محسنی ۱۳۸۰: ۴۶) معتقد بود که فناوری همیشه نخستین عامل تغییر اجتماعی است و از آنجا که فناوری به سرعت متحول می‌شود و تغییر در نهادهای اجتماعی به کندی صورت می‌گیرد، نتیجه این امر تأخر فرهنگی و نوعی فاصله میان نظامهای جامعه است.

۳. فوبیای اطلاعاتی و IT که محصول جامعه اطلاعاتی و عصر اطلاعاتی است، سومین طبقه‌بندی زمانی فوبیا را در بر می‌گیرد. IT منجر به تغییرات زیادی در جامعه مدرن شده است. اما در مورد اینکه کدام تغییرات واقعی و کدام خیالی‌اند، ابهام وجود دارد. این ابهام منجر به ترس از IT شده است.

فناوریهای کنونی که پیشرو آنها رایانه است، تغییرات عمیقتری نسبت به فناوریهای عصر صنعتی در انسان ایجاد می‌کنند. عمده‌ترین عوامل ترس ناشی از این تغییرات،

عدم شناخت سیستمهای اطلاعاتی و عدم تربیت افراد جامعه برای استفاده از آنهاست (گلاسون ۱۹۹۴).

### جامعه اطلاعاتی

رایانه، اطلاعات و وابستگی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تفریحی و... زندگی انسان به آن، خبر از ورود به دوره زمانی متفاوتی می‌دهند. آلون تافلر در دو کتاب شوک آینده و موج سوم خبر از آینده متفاوتی می‌داد. او انقلاب الکترونیکی را پیش‌بینی می‌کرد. این پیش‌بینیها به سرعت رخ دادند. در کشورهای پیشرفته با نظامهای اجتماعی مختلف، ویژگیهای یکسانی دیده می‌شود که عمده‌ترین آن، تولیدات فراوان و گوناگون در پرتو فناوریها و ورود سریع و گسترده آنها به زندگی افراد این جوامع بود.

دانیل بل معتقد است که پس از این اتفاق، جوامعی که رکن اصلی اقتصادشان مبتنی بر استخراج منابع طبیعی بود تا تولید، کشورهای پیش‌صنعتی نام گرفتند و پس از پدید آمدن تغییرات چشمگیر در فناوری، آدمی توانست به جوامع فراصنعتی بیندیشد.

دانیل بل با اصطلاح «جامعه اطلاعاتی» یا «جامعه دانش» مخالف است زیرا به عقیده وی اطلاعات یا دانش، بخشی از عوامل به وجود آورنده جوامع فراصنعتی‌اند. با این حال تفاوت فناوری در جامعه صنعتی و جامعه فراصنعتی را «خردورزی» عنوان می‌کند. او می‌نویسد: مشخصه‌های اصلی جامعه فراصنعتی، اطلاعات و دانش است (بل ۲۰۰۳).

از جمله افرادی که به ادعاها و نظریات ارائه شده در مورد ظهور جامعه اطلاعاتی - که آن را مترادف جهانی شدن می‌دانند - تردید دارد، کریستوفر می (۲۰۰۲: ۱۱۵) است. به نظر می‌آید جامعه اطلاعاتی که «بل» با عنوان جامعه فراصنعتی تشریح می‌کند، براساس نقش متخصصانی که دانش آنها فنی است پی‌ریزی شده است. ظاهراً تعریف ویلیام مارتین (محسنی ۲۰۱۳: ۲۲) از جامعه اطلاعاتی یکی از تعاریف جامع در مورد آن است. وی می‌گوید: جامعه اطلاعاتی، جامعه‌ای است که در آن کیفیت زندگی به اطلاعات و بهره‌برداری از آن وابسته است. در این جامعه، استانداردهای زندگی، الگوهای کار و فراغت، نظام آموزشی و بازار کار به میزان کاملاً محسوسی تحت‌الشعاع پیشرفت اطلاعات و دانش قرار گرفته است.

## زیربنای جامعه اطلاعاتی

۱. شبکه اطلاعاتی (رایانه‌های متصل به هم در اتصال یا اینترنت یا بدون اتصال با اینترنت)؛
۲. اطلاعات؛
۳. میزان اعتماد کاربران به اطلاعات؛
۴. فرهنگ به اشتراک گذاشتن اطلاعات؛
۵. میزان کارایی اطلاعات در روند تصمیم‌گیری و موفقیت؛
۶. محصولات نرم‌افزاری؛
۷. کارایی بخشهای متولی در دولتها؛

شایان رضا مشاطیان (۲۰۰۴) با عنوان کردن عوامل فوق به منزله زیربنای جامعه اطلاعاتی نشان می‌دهد که پیش‌نیازهای جامعه اطلاعاتی اساساً از مقوله فناوری نیستند.

### عصر اطلاعات

عصر دانش یا عصر اطلاعات که یکی از نمادهای فیزیکی آن اینترنت است، به سرعت در حال گسترش است و پتانسیلهای نهفته در آن هنوز به طور وسیعی در اختیار بشر قرار نگرفته است و هنوز از آنچه وجود دارد نیز به نحو بهینه‌ای استفاده نمی‌شود.

عصر اطلاعات با وجود رایانه به سرعت در حال گسترش و توسعه است و به پیش می‌رود و حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است، هدف از به وجود آمدن این عصر رفع نیاز اطلاعاتی بشر (جلالی ۲۰۰۴) بوده است که به کمک رایانه و اینترنت همراه با بانکهای اطلاعاتی و شبکه‌های تار عنکبوتی جهانی این نیاز تا حدودی مرتفع شده و در آینده تأثیر خود را با انتقال فضای یک بُعدی (متن، پست الکترونیکی و اتاقهای گفتگو) به فضای دو بُعدی (فیلم، تصویر و آدملکهای شبیه‌سازی شده) که مشخصه این عصر است بیشتر نمایان خواهد شد. عمر این عصر کوتاه خواهد بود. برخلاف عصر کشاورزی که حدود ۳۰ هزار سال دوام آورد و عصر صنعتی که ۵۰۰ سال قدمت داشت، عمر این عصر از چند دهه تجاوز نخواهد کرد.

موج چهارم (جلالی ۲۰۰۴) در راه است و به زودی دنیای سه بعدی را به جهان عرضه خواهد کرد و شرایطی را فراهم می‌کند تا تخیل انسان بتواند به حقیقت نزدیک شده و فضای جدیدی را معرفی خواهد نمود که بسیار توسعه یافته‌تر و متفاوت با جهان امروز است. جامعه اطلاعاتی امروز باید چشم‌انداز روشنی برای ادامه مسیر خود به سمت رشد و پویایی داشته باشد، عصر مجازی می‌تواند دورنمای تحول درازمدت جامعه اطلاعاتی امروز باشد.

## اطلاعات

به نظر پیتر دراگر اطلاعات همان داده است که مناسب و هدف به آن افزوده شده است. در حالی که هوزمان و گودمان، اطلاعات را به صورت نقاطی تعریف می‌کنند که آنها را گرد هم می‌آورند، در بافت قرار می‌گیرند و پس از افزوده شدن دورنما به ذهن افراد تحویل می‌شوند. (اسلایک بیندر ۲۰۰۴).

داده‌ها مواد اولیه یا خامی هستند که برای تولید اطلاعات لازم‌اند. اطلاعات دریافت شده از سوی افراد به یکسان، تعبیر و تفسیر نمی‌شوند. فرد به مقتضای موقعیت و تجربه، اطلاعات ذخیره در حافظه خویش و... اطلاعات دریافت کرده را تعبیر و به این ترتیب دانش تولید می‌کند. پس سطح دانش افراد که اطلاعات یکسانی دریافت می‌کنند به یک اندازه تغییر نمی‌کند.

پیتر دراگر (۲۰۰۴) معتقد است که دانش، حق انتخاب می‌دهد و تبعیض میان زنان و مردان را از بین می‌برد، چون کار دانش جنسیت نمی‌شناسد و زنها و مردها کارهای مشابه انجام می‌دهند و البته این موضوع تغییر و تحول بزرگی در شرایط زندگی بشری پدید آورد.

بعضی دانش را آنچه «فرد» می‌داند و اطلاعات را آنچه «افراد» می‌دانند، تعریف کرده‌اند (آقا بخشی ۱۳۸۳) به طور کلی اطلاعات پدیده‌ای است که در سیستم گیرنده‌اش تغییر به وجود می‌آورد و هر قدر این سیستم پیچیده‌تر باشد، برای ایجاد تغییر در آن، به اطلاعات دقیق‌تر نیاز است.

بنابراین اظهارات تایلور، اطلاعات مواد اولیه‌اند، وجه تمایز انسان با حیوان در توانایی کاربرد اطلاعات در موقعیتهای گوناگون است.

یکی از تنگناهای اصلی در کشورهای توسعه نیافته به اطلاعات مربوط می‌شود. اطلاعات امروزه نه تنها عنصر اصلی برای هر نوع تصمیم‌گیری است، بلکه به تدریج به منزله ماده اولیه و عامل کلیدی در تولید صنعتی مطرح می‌شود.

محمد ستاری فر (۱۳۷۴:۳۳۲) معتقد است که جوامع امروزی بر محور اطلاعات شکل یافته‌اند و در این رهگذر وابستگی کشورهای توسعه نیافته به کشورهای توسعه یافته، تنها وابستگی ابزاری یا کالاهای صنعتی نیست بلکه مهمترین عامل این وابستگی به وابستگی اطلاعاتی مربوط می‌شود. به نظر او (۱۳۷۴:۳۳۵) در جوامع اطلاعاتی، فرایند فناوریهای اطلاعاتی محور تصمیم‌گیریهاست.

داده‌ها، مفاهیم حقیقی یا واقعیات موجودی هستند که پس از پردازش به اطلاعات تبدیل می‌شوند. تحلیل و پردازش اطلاعات، منجر به تولید دانش می‌شود. در صورتی که دانش نیز تحلیل شود، تبدیل به آگاهی می‌شود. اگر کسی بخواهد در جامعه اطلاعاتی عملکرد مثبتی داشته باشد باید فرایند آگاهی را طی کند. به این ترتیب نیاز واقعی جامعه اطلاعاتی فقط داشتن مردم آگاه نیست بلکه داشتن مردمی است که مهارت استخراج دانش و آگاهی را از داده‌ها و اطلاعات داشته باشند. در چنین جامعه‌ای کشورهای توسعه نیافته می‌توانند خود را از وابستگی اطلاعاتی برهانند.

در جامعه اطلاعاتی، اطلاعات تبدیل به کالا می‌شود. اما کالایی که با کالاهای دیگر متفاوت است. پیتز دراگر (۱۳۷۸:۴۵) می‌نویسد اطلاعات از آن جهت که تحت قاعده کمیابی قرار نمی‌گیرند با کالاهای دیگر متفاوت‌اند. اطلاعات تحت قاعده فراوانی قرار دارند. (یعنی) وقتی تعداد بیشتری از افراد اطلاعات دارند، اطلاعات ارزشمندتر می‌شود.

در کنار اطلاعات، آگاهی از مفهوم دیگری به نام ضد اطلاعات به خصوص در بررسی مسئله فویبای اطلاعاتی ضروری است. نیل پستمین (۱۳۷۵:۲۳۴) ضد اطلاعات را مترادف با اطلاعات غلط داشتن، نمی‌داند، به نظر او، ضد اطلاعات، یعنی اطلاعات همراه کننده و اغواگر داشتن - اطلاعاتی نامتناسب و ناموزون، بی‌اهمیت و بی‌فایده، قطعه قطعه شده و نامسنجم و منفک از یکدیگر، یا در خوشبینانه‌ترین حالت، اطلاعاتی سطحی و قشری، اطلاعاتی ریاکارانه و با تزویر، یعنی وانمود کردن به اینکه انسان



چیزی را می‌داند، در حالی که در واقع انسان را از دانستن همه چیز دور نگاه می‌دارد یا در بدبینانه‌ترین حالت او را به دانستن بی‌میل می‌کند.

### نسبت جامعه اطلاعاتی و فویای اطلاعاتی

ایده جامعه اطلاعاتی ریشه در اندیشه سیاسی و اجتماعی نوینی دارد که خواهان بیشترین استفاده از فناوری به منزله ابزاری برای آزادسازی بشریت از یوغ کار زیاد و درآمد اندک است (ویلکن ۱۳۸۱: ۱۲۰). جامعه اطلاعاتی، جامعه‌ای است که بنیان آن بر اطلاعات گذاشته شده است. کار، اقتصاد، تجارت، تفریح، خرید، پوشش، تغذیه و بسیاری از جنبه‌های زندگی انسان در جامعه اطلاعاتی وابسته به اطلاعات است. در جامعه اطلاعاتی باید سرعت جابه‌جایی اطلاعات بالا باشد و فناوریهای ICT و IT این امکان را فراهم می‌سازند.

جامعه اطلاعاتی خاص جوامعی است که مرحله صنعتی را پشت سر گذاشته و به درجه‌ای از پیشرفت نایل شده‌اند.

ایده محض یک جامعه صنعتی مدرن و پیچیده، مستلزم وجود سطح بالایی از جریان اطلاعات میان حکومتها و شهروندان، شرکتها و مصرف‌کننده‌ها و میان کارفرمایان و پیمانکاران است. شهروندان جامعه مدنی و فناوری نوین اطلاعات زیر-ساختهای اساسی تحقق چنین جامعه‌ای محسوب می‌شوند (ویلکن ۱۳۸۱: ۱۲۱). در ایدئولوژی نئولیبرال، جامعه اطلاعاتی نهایت درجه جامعه سالم است که در آن افراد به واسطه گسترش بازارهای کار به حوزه‌های وسیعتر زندگی، به آزادی دست می‌یابند. به گونه‌ای که آنها می‌توانند براساس خواسته‌ها و علایق خود دست به انتخاب بزنند.

مانوئل کاستلز در جلد سوم عصر اطلاعات - پایان هزاره (۱۳۸۰-۹۰) می‌نویسد: ظهور اطلاعات‌گرایی با افزایش نابرابری و حذف اجتماعی در سراسر جهان در هم تنیده شده است. او (۱۳۸۰: ۹۱ تا ۹۵) در ارزیابی پویایی اجتماعی اطلاعات‌گرایی می‌نویسد که لازم است بین فرایندهای متعدد ایجاد تمایز اجتماعی تفاوت قایل شویم: از سوی نابرابری، قطبی شدن، فقر و بینوایی همگی به حوزه روابط توزیع - مصرف یا سطوح

متفاوت کسب ثروت که با تلاش جمعی تولید می‌شود ارتباط دارد. از سوی دیگر، فردی شدن کار، استثمار مفرط کارگران، حذف اجتماعی و پیوند منقطع، ویژگیهای چهار فرایند خاص در مناسبات تولید به شمار می‌روند.

نابرابری به کسب نابرابر ثروت (درآمد و داراییها) از سوی افراد و گروههای اجتماعی مختلف اشاره می‌کند. قطبی شدن فرایند خاص نابرابری است که زمانی رخ می‌دهد که دو سوی طیف توزیع درآمد یا ثروت، سریع‌تر از بخش میانی این طیف رشد کنند و بدین ترتیب، میانه طیف توزیع ثروت کوچک شده و تفاوت‌های اجتماعی بین جمعیتی که در دو سوی این طیف قرار دارند تشدید شود.

فقر معیاری است که تعریفی نهادینه دارد و به سطحی از منابع مربوط است که پایتتر از آن، دسترسی به استاندارد زندگی - که حداقل زندگی معمولی در یک جامعه معین و زمان معین محسوب می‌شود - میسر نباشد.

بینوایی واژه‌ای که مترادف فقر مفرط است، به معنی پایینترین سطح توزیع درآمد - داراییها یا محرومیت است که طیف گسترده‌تری از محرومیت‌های اجتماعی - اقتصادی را در بر می‌گیرد.

دومین مجموعه فرایندها و طبقه‌بندی آنها به تحلیل مناسبات تولید مربوط می‌شود. فردی شدن نیروی کار فرایندی است که به واسطه آن، مشارکت نیروی کار در تولید به طور خاص برای هر کارگر یا هر یک از همکاران او در تولید، خواه به صورت خود اشتغالی و یا نیروی کار مزدبگیر با قرارداد فردی و بدون چارچوب منظم تعریف می‌شود.

واژه استثمار مفرط به ترتیبات کاری اشاره دارد که به سرمایه (دار) اجازه می‌دهد به طور منظم پرداخت - تخصیص منابع را به تأخیر اندازد یا نسبت به مقررات - رویه معمول در یک بازار کار رسمی معین و در زمان و مکان معین شرایط کاری خشتتری را به گروه معینی از کارگران تحمیل کند.

حذف اجتماعی، فرایندی است که به موجب آن برخی افراد و گروهها به گونه‌ای منظم از دستیابی به سمت‌هایی محروم می‌شوند که به آنان امکان می‌دهد در چارچوب استانداردهای اجتماعی که از نهادها و ارزشهای هر متن خاص شکل گرفته است، از

زندگی مستقلی برخوردار باشد. در شرایط عادی، در سرمایه‌داری اطلاعاتی، چنین جایگاهی معمولاً مستلزم این است که دست کم یکی از اعضای خانواده بتواند به شغلی نسبتاً منظم با درآمد ثابت دسترسی داشته باشد.

فرایند حذف اجتماعی و ناکارآمدی سیاستهای ترمیمی انسجام اجتماعی به فرایند پیوند منحط منجر می‌شود. این واژه به فرایند کار در اقتصاد جنایی اشاره دارد. منظور از اقتصاد جنایی، فعالیتهای درآمدزایی است که از لحاظ هنجارهای اجتماعی جرم محسوب می‌شود و در یک بافت نهادی معین شایسته بیگردد است.

کاستلز در فصل دوم از جلد سوم سه‌گانه عصر اطلاعات به حاشیه راندن و جذب‌گزینی کشورهای آفریقایی زیر خط صحرا و بهره‌کشی مفرط و حذف اجتماعی با نگاهی به وضعیت کودکان را بررسی می‌کند.

در حالی که اکثریت قاطع کارگران کودک در کشورهای در حال توسعه به سر می‌برند، این پدیده در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری نیز در حال رشد است، به ویژه در ایالات متحده که رونق فروشگاههای غذای حاضری به دلیل کار نوجوانان است. طبق برآورد مؤسسه ملی ایمنی محل کار، هر ساله ۳۰۰ کودک در حین کار کشته می‌شوند و ۷۰ هزار نفر نیز آسیب می‌بینند (کاستلز ۱۳۸۰: ۱۷۵).

مرکز پژوهش اقتصاد امریکا با اعلام کاهش نرخ رشد اقتصادی در عصر جهانی شدن گزارش داده است که اطلاعات رسمی دو دهه گذشته (۲۰۰۰ - ۱۹۸۰) نشان می‌دهند که رشد اقتصادی به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته در مقایسه با دو دهه پیشتر (۱۹۸۰ - ۱۹۶۰) به صورت برجسته‌ای کند شده است. ۸۹ کشور (۷۷٪) در دوره زمانی نخست تا دوره دوم حداقل پنج درصد کاهش رشد داشته‌اند. تنها ۱۴ کشور (۱۳٪) در طول این دوره زمانی افزایش رشد داشته‌اند. در این گزارش ضمن توضیح اینکه کندی رشد دو دهه گذشته پدیده‌ای جهانی بوده است آمده است که تعداد افراد فقیر که با کمتر از ۴ دلار در روز به سر می‌برند تا اواسط دهه ۹۰ از دو میلیون به ۶۰ میلیون نفر رسیده است.

جامعه اطلاعاتی همچنان که امکان تبادل سریع اطلاعات و سرگرمیهای مفید، انواع فرهنگها و خرده فرهنگها، کالاها، تجارت، فراهم آوردن امکان دستیابی و ارتباط ارزان و

آسان با اقصی نقاط دنیا را فراهم می‌آورد، این امکان را نیز فراهم می‌کند که مواد مخدر، کالاهای و داروهای غیراستاندارد و مضر، قماربازی، هرزه‌نگاری و... را که عامل ایجاد بحرانهای اجتماعی، جرایم سازمان یافته، جنگ و بیماری هستند در سطح جهان انتقال یابند.

البته جامعه اطلاعاتی بر اساس میزان فراهم بودن زیرساختارهای لازم برای توسعه آن، در کشورهای مختلف، به گونه متفاوتی است. با این حال، عامل اصلی انتقال عوامل نامبرده، اینترنت است که اکنون در همه جای دنیا و در هر شکل از جامعه اطلاعاتی یافت می‌شود.

بیماریهای ناشی از تبادل اطلاعات به دو صورت جسمی و روحی نمودار می‌شوند. استفاده از دازوهای غیراستاندارد معرفی شده، می‌تواند صدمات جسمی جدی به مصرف کننده وارد سازد. چون امکان نظارت بر همه اطلاعات منتشره از سایتهای مختلف اینترنتی وجود ندارد، احتمال رخداد اتفاقاتی از این قبیل وجود دارد. بیماریهای روحی، نوع دیگر بیماریهای حاصل از جامعه اطلاعاتی اند. فوبیای اطلاعاتی یا ترس ناشی از دریافت اطلاعات فراوان یکی از آنهاست.

رشد سریع و غیر قابل مهار حجم اطلاعات تولید شده در جهان، امروزه اغلب مردم و کارشناسان امور اطلاع‌رسانی را با مسئله‌ای مهم و حیاتی روبه‌رو ساخته است. اطلاعات به صورت سرطانی رشد می‌یابند و این پدیده انفجار اطلاعات نامیده می‌شود (علی احمد و شورستانی ۱۳۸۳).

اکنون پژوهشگران (آقابخشی ۱۳۸۳) با دو نیرو مواجه شده‌اند:

۱. انفجار اطلاعات یا رشد سریع و بی‌سابقه در کمیت، حجم، تنوع و شکل اطلاعات و انتشارات،

۲. انفجار جمعیت، از نظر جغرافیایی این دو نیرو با یکدیگر نسبت عکس دارند. برآورد شده است که در سال ۲۰۲۵ م، ۸۴ درصد جمعیت جهان به جوامع کم رشد و در حال توسعه و فقط ۱۶ درصد آن به جوامع پیشرفته تعلق خواهند داشت.

به دلیل نبود نظارت و مدیریت کارآمد و صحیح بر انتشار اطلاعات و نبود طبقه‌بندی درست و علمی اطلاعات در جامعه اطلاعاتی بسیاری اوقات دریافت کننده

اطلاعات حجم زیادی از اطلاعات خام دریافت می‌کند، به طوری که وقت زیادی برای جدا کردن اطلاعات مربوط از اطلاعات نامربوط و نامناسب نیاز دارد. بایک کاسمی (۱۳۶۸: ۱۱۹) این پدیده را بار سنگین اطلاعات نامیده است. او دو جریان برای کاهش بار سنگین اطلاعات معرفی کرده است:

۱. اختصار: جریانی که طی آن اطلاعات خام از حشو و زواید پاک و کوتاه می‌شوند.
۲. تصفیه: جریانی که طی آن اطلاعات خام، بسته به احتیاجات افراد و شرایط زمانی و مکانی از هم تفکیک و طبقه‌بندی و اصلاح می‌شوند.

شخص در جامعه اطلاعاتی حجم زیادی از اطلاعات دریافت می‌کند که صحت و سقم آنان مشخص نیست. یا در جستجوی اطلاعات لازم در مورد یک موضوع خاص، حجم زیادی از اطلاعات نامربوط و نامرتب را دریافت می‌کند. کسب چنین حجم فراوانی از اطلاعات گوناگون و طبقه‌بندی نشده می‌تواند حالت تعادل روحی شخص را به هم بریزد.

ترس همیشه نتیجه تخیل است. تصاویر، فیلمها و نقاشیهای مشاهده شده، کتابها و مطالب خوانده شده که عجیب و گاه خارج از دایره امکان به نظر می‌رسند، در عالم تخیل جای می‌گیرند و وقایع ترسناک، ترسناکتر می‌شوند. تخیل و تصور عوامل اصلی ایجاد ترس هستند. اطلاعاتی که خبر یا رویداد واقعی، افسانه‌ای، خیالی و جعلی وحشتناکی را مطرح می‌کنند، ممکن است از سوی گیرنده‌ای با قدرت تخیل و تصور بالا، شاخ و برگ داده شوند، در خیال فرد فاجعه‌ای آفریده شود و تحت تأثیر آن فاجعه خیالی، فرد آسیب ببیند و دچار فویبای اطلاعاتی شود.

حالت دیگر فویبای اطلاعاتی به وسواس و نگرانی از عدم دسترسی و دستیابی به اطلاعات یا ترس از فقر اطلاعاتی مربوط می‌شود. ضمن اینکه دریافت اطلاعات زیاد خود نوعی فقر اطلاعاتی است.

پیتر تاون سند، فقر را با معیارهای نسبی به فقدان کالاهایی که مردم را قادر به مشارکت در زندگی روزمره می‌سازد تعریف می‌کند (کیت نش ۱۳۸۰: ۲۳۰). افراد، خانواده‌ها و گروه‌ها را هنگامی می‌توان فقیر نامید که فاقد امکانات لازم برای دستیابی به انواع غذاها، مشارکت در فعالیتهای و برخورداری از شرایط و مطلوبیتهای مرسوم زندگی

در جوامع خودشان باشند. امکانات آنها چنان از سطح متوسط امکانات فرد یا خانواده پایین تر است که عملاً از الگوها، رسوم و فعالیتهای زندگی معمولی محروم شده‌اند. فقر اطلاعاتی به صورتهای گوناگون ظاهر می‌شود (آقابخشی ۱۳۸۰) از ناتوانایی در به دست آوردن یا کاربرد اطلاعات لازم، تا وجود و انباشت بیش از حد اطلاعات، از داشتن اطلاعات، اما عدم درک صحیح از آن تا فقر اطلاعاتی. فقر اطلاعاتی ممکن است از سوی خود شخص تحمیل شود مانند جهل یا از بیرون تحمیل شده باشد. به طور کلی، تأثیر حاصل از جهل یا سانسور و فریب در زندگی یک انسان یا آحاد یک ملت، می‌تواند آنی باشد یا طی مدت طولانی و با تأثیرات تخریبی جزئی یا شدید همراه باشد و به هر یک از جنبه‌های وضع بشر اثر گذارد.

در عصر اطلاعات و در جامعه اطلاعاتی که اطلاعات هسته اصلی فرایندهای جامعه بشری را تشکیل می‌دهد، معیار تشخیص کشورهای فقیر و غنی نیز اطلاعاتی است. از سال ۱۹۹۴ میلادی فاصله دیجیتالی (جلالی ۲۰۰۴) معیار این تشخیص است. تا قبل از ۱۹۹۴ میلادی فاصله کشورهای فقیر و ثروتمند را با سرمایه‌های مادی می‌سنجیدند. امروزه به کشوری ثروتمند می‌گویند که از نظر توسعه ICT به مرحله خوبی از رشد رسیده باشد. ضریب نفوذ اینترنت در آنها بالای ۵۰ باشد و مردم خدماتشان را از دولت در منزل از طریق دولت الکترونیکی دریافت کنند. تا اوایل سال ۲۰۰۳، ۹۳ درصد کاربران اینترنت و ۷۳ درصد تلفنهای جهان در اختیار ۲۰ درصد کشورهای توسعه یافته جهان قرار داشته است. همین کشورها در جهان بهترین شرایط اقتصادی را داشته و در زمینه توسعه تجارت الکترونیکی و صادرات نیز بهترین موقعیت را دارند.

فاصله دیجیتال نمادی از بی‌عدالتی را در جهان به رخ خواهد کشید و ممکن است زمینه‌ای برای تحمیل جنگهای ناخواسته در آینده شود. احتمال وقوع جنگ، تهدید و از دست دادن امنیت از عوامل جدی ایجاد فویبای اطلاعاتی به نظر می‌رسند. فناوری اطلاعاتی امکان بانکداری الکترونیکی، تجارت و سرگرمی الکترونیکی و غیره را فراهم کرده است. فناوری اطلاعاتی نوع مشاغل را تغییر داده و شغل‌های جدید به وجود آورده است: فناوری اطلاعاتی کار ییدی و کارگر صنعتی را کاهش داده و کار علمی و کارگر علمی را افزایش داده است. در این تبدیل فشار فیزیکی کار کاهش یافته، اما فشارهای

جدیدی ایجاد شده که عمدتاً روحی - روانی هستند. اگر چه بیماریهای جسمی مشخصی را نیز ایجاد کرده است.

دیوید اچ. گلیسون (۱۹۹۴) در مورد ترسهای مرتبط با IT تقسیم‌بندی ترسهای خیالی و واقعی را مطرح می‌کند. ترسهای واقعی که او از آنها نام می‌برد عبارت است از:

۱. سوء استفاده از ابزار: در جامعه اطلاعاتی، دانش قدرت است و کسانی که به آن مجهزند، قدرتمندند. این ترس وجود دارد که برخی افراد با دستیابی به دانش لازم به ابزارهای اطلاعاتی آسیب زده و مبادرت به انجام کارهای خلاف کنند. مانند هکری که به تخلیه حسابهای بانکی مردم می‌پردازد.

۲. امنیت: چنانکه در مورد اول بیان شد، با دستیابی به دانش لازم، هکرها می‌توانند با تخلیه حسابهای بانکی یا لو دادن سؤالات امتحانی و به طور کلی با لو دادن اطلاعات، امنیت جامعه را به خطر اندازند.

۳. مسائل اقتصادی: معاملات تجاری، تهیه محصولات و خدمات بدون مداخله انسان، استفاده از کارت اعتباری به جای پول و از این قبیل ترسهای خاصی را ایجاد می‌کند. برای انجام این امور اصولاً کاربر از طریق گذر واژه (پس ورد) خود را می‌شناساند. امکان سوء استفاده در چنین شرایطی بیشتر است.

۴. تشکیل طبقات اقتصادی: امکانات بهره‌گیری از IT در اختیار افراد خاصی است. افرادی که هم تجهیزات لازم را در اختیار دارند و هم سواد لازم برای استفاده از این تجهیزات را فرا گرفته باشند. به این ترتیب طبقات اقتصادی جدیدی به وجود می‌آیند. از طرفی نوعی بیسوادی جدید برای افراد تحصیلکرده و حتی متخصص که توان بهره‌گیری از IT را ندارند ایجاد می‌شود.

۵. مسائل ناشی از فشار کاری: بیماری CTS یا سندرم تونل میچ دست که بر اثر التهاب عصب میانی میچ دست رخ می‌دهد، در افرادی که از کیبورد برای وارد کردن اطلاعات استفاده می‌کنند دیده می‌شود. آسیب چشم و مغز بر اثر پرتوهای مغناطیسی ساطع شده از صفحه نمایش نمونه‌های دیگرند.

۶. از دست دادن خود: فناوریهای نوین ارتباطی، امکان تعامل با انسانها در اقصی نقاط دنیا را به واسطه رایانه فراهم می‌کند. گسترش این روند تعامل رودرروی انسانها را

کاهش می‌دهد. تعامل آدم با آدم (من، تو) جای خود را به تعامل آدم با ماشین (من، آن) می‌دهد. در این حالت فرد فرصت شناخت از خود که می‌تواند در فرایندها و تعاملات اجتماعی کسب کند، از دست می‌دهد.

۷. مسائل محیطی: مواد اولیه برای ساخت رایانه‌ها از طبیعت به دست می‌آیند. ضمن اینکه ساخت و تولید در کارخانه آلودگی زیستی را افزایش می‌دهد.

۸. از دست رفتن تاریخ: بر اثر از دست دادن خود و تحت تأثیر IT تاریخ تغییر می‌کند، اما امکان ثبت و ضبط همه موارد وجود ندارد. از طرفی اثرات هنری، ادبی و علمی فراوانی بدون ذکر نام صاحب اثر توزیع می‌شوند و به این ترتیب هم بخشی از تاریخ از دست می‌رود.

۹. از دست رفتن جزئیات: این مورد در خصوص کارهای هنری مطرح است. از طریق IT امکان توزیع گسترده کارهای هنری هست اما طی این فرایند از ظرافت و جزئیات کارهای هنری کاسته می‌شود.

### بحران فویبای اطلاعاتی در ایران و نحوه مدیریت بر آن

به‌رغم اینکه ۳۸۱ سال و ۲۵۱ سال برای ورود اولین کتاب چاپی و اولین روزنامه فارسی به ایران زمان لازم بود و با وجود اینکه ایران هنوز در اواسط موج دوم یا عصر صنعت قرار دارد و موج سوم را درک نکرده است، رایانه خیلی زود وارد ایران شد و اکنون (۱۳۸۳) ۱۴ سال از برقراری اولین ارتباط اینترنتی کشور از سوی مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات و تولد اولین شبکه ارتباطی فرا-مرزی در کشور می‌گذرد (مشاطیان ۲۰۰۴) این زمان در مقایسه فناوریهای اطلاعاتی معادل ۱۴۰ سال در صنایع خودروسازی است.

در ایران شبکه اطلاعاتی وجود دارد اما برای تعیین جایگاه آن در جامعه اطلاعاتی باید به میزان تولید اطلاعات در کشور توجه کرد. اطلاعات مورد نظر، اطلاعات دقیق و روزآمد علمی و آماری هستند. در بسیاری از کشورها تهیه این اطلاعات بر عهده مراکز تحقیقاتی و پژوهشی است که فارغ از جهتگیریهای سیاسی یا ملاحظات اجرایی، اطلاعات مورد نظر را جمع‌آوری، تحلیل و طبقه‌بندی می‌کنند. از نظر مشاطیان (۲۰۰۴)



رشد سایتهای اطلاعاتی فارسی و رشد انفجاری وبلاگهای فارسی اما اطلاعات غیر مستند و ویرایش نشده گرچه می‌تواند به عنوان بخشی از جریان جامعه اطلاعاتی محسوب شود نمی‌تواند مبنای جامعه اطلاعاتی قرار گیرد. در ایران اطلاعات یک مقوله امنیتی محسوب می‌شود و مردم، دولت و سازمانها به سختی، اطلاعات خود را به اشتراک می‌گذارند. افزون بر این، رسیدگی به امور ISPها و محتوای اطلاعاتی متصدی مشخصی ندارد. لذا اطلاعات ضد و نقیض در مورد موضوعهای مشخص به راحتی در شبکه‌های اطلاعاتی جریان می‌یابند و دریافت آنها از سوی مخاطبان، اعتماد مخاطبان را کاهش می‌دهد.

پس ایران به‌رغم صرف هزینه‌های چند صد میلیارد تومانی برای چت کردن (مشاطیان ۲۰۰۴) یا صرف وقت زیاد جوانان برای رایانه و شبکه‌های اطلاعاتی برای سرگرمی به دلیل فقدان امکانات تفریحی و فرهنگی لازم هنوز در مسیر جامعه اطلاعاتی گام اساسی برنداشته است. ایران وارد جریان جامعه اطلاعاتی شده است اما هنوز نقش اصلی در آن ندارد. تا سال ۱۳۸۲ حجم اطلاعات جابه‌جا شده میان اروپا و امریکا ۲۳۱ برابر حجم اطلاعات جابه‌جا شده میان خاورمیانه و امریکا بوده است.

ورود ایران به جامعه اطلاعاتی نوعی جهش است. ما هنوز عصر صنعتی را پشت سر گذاشته‌ایم اما وارد جامعه اطلاعاتی شده‌ایم. به نظر می‌رسد جامعه ایران به بلوغ کامل برای این جهش نرسیده است. یعنی بدون امکانات و آمادگیهای لازم این جهش صورت گرفته است. البته سرعت غافلگیرکننده تغییرات، چنین جهشی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

آنچه اکنون باید مورد توجه باشد پرداختن به زودهنگام بودن جهش و بحث درباره ناتوانیها برای حضور در جامعه اطلاعاتی نیست بلکه اکنون زمان برنامه‌ریزی و اقدام برای تربیت و مهیا ساختن انسانها و شرایط لازم برای حضور پرننگ و ایفای نقش اساسی در جامعه اطلاعاتی است. در این زمینه می‌توان نگاه آموزنده‌ای به کشورهای مشابه مانند کره جنوبی انداخت.

تعداد کاربران اینترنت در ایران ۳۵ میلیون نفر و ضریب نفوذ اینترنت ۵ درصد است. فاصله دیجیتالی ایران از کشورهایی که شرایط مشابهی برای ورود به جامعه اطلاعاتی

داشته‌اند بسیار زیاد است. یعنی ایران جزء کشورهای فقیر محسوب می‌شود. با توجه به موارد نامبرده اکنون ایران در شرایطی قرار گرفته که برای عقب نماندن بیش‌تر از جامعه اطلاعاتی نیاز به تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی علمی و عملی و نه آرمانی و دست نیافتنی از سوی تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان کشور به شدت احساس می‌شود. ضمن اینکه هر شخصی باید در هماهنگی با کل جامعه برای دستیابی سریع‌تر به این هدف اقدام کند. شرایط موجود با توجه به ویژگیهای فرهنگی و سابقه تاریخی ایران مانند خست در ارائه اطلاعات، بدبینی و عدم اعتماد به عوامل حکومتی و غیره - که نیاز به بررسی علمی دارد - و فوریت تصمیم‌گیری، به نظر می‌رسد که تصمیم‌سازان را دچار سردرگمی کرده است. به طور کلی این شرایط موقعیت بحرانی را پدید آورده‌اند که برای رهایی از آن نیاز به مدیریت کارآمد و علمی و اصولی احساس می‌شود.

مدیریت بحران نیازمند نظم و انضباط و سازمان‌یافتگی در جبهه‌های گوناگون است (میتراف ۱۳۸۱: ۱۷). در این حالت برنامه‌ریزی برای حل مشکلات موجود و آمادگی یافتن برای حضور مؤثر در جریان جامعه اطلاعاتی لازم اما ناکافی است. همچنان که میتراف از صاحب‌نظران مدیریت بحران در مورد سازمان مطرح می‌کند، در خصوص کل جامعه به عنوان یک سازمان یا مجموعه‌ای از سازمانها نیز می‌توان گفت آنچه باید مورد توجه جدی باشد، قابلیت‌های خود جامعه (همان ۱۳۸۱: ۳۴) و در این مورد قابلیت‌های اطلاعاتی جامعه است.

متأسفانه در کشور ما امکان فراهم آوردن امکانات لازم و محیط مساعد برای همه اندیشمندان و کسانی که کار فکری می‌کنند وجود ندارد و ما با پدیده فرار مغزها مواجه‌ایم. به این ترتیب یکی از درخور توجه‌ترین نکات در مدیریت برای ورود به جامعه اطلاعاتی نخست، فراهم آوردن زمینه‌های لازم مادی و معنوی و ارزش‌گذاری به تولیدکنندگان فکری است و سپس جذب مجدد فراریان مغزی.

با توجه به موقعیت ایران در جامعه اطلاعاتی و سادگی ورود اطلاعات در شبکه‌های اطلاعاتی فارسی و عدم امکان نظارت بر همه اطلاعات موجود در سایتها، کاربر ایرانی با حجم عمده‌ای اطلاعات و ضد اطلاعات روبه‌روست که توانایی تشخیص صحت و سقم آنها را ندارد. این موضوع به خصوص راجع به موضوعهای

حیاتی زندگی بشر و در حوادث غیر مترقبه و اهمه و ترس بی جهت در کاربران یا قدرت تخیل بالا ایجاد می کند که فوبیای اطلاعاتی نامیده می شود.

فرونگ خاص جامعه ایرانی که در آن میزان اعتماد به منابع اطلاعاتی خارجی و غیررسمی بیشتر از اعتماد به منابع اطلاعاتی رسمی و داخلی است، احتمال ابتلا به فوبیای اطلاعاتی را در افراد مستعد افزایش می دهد.

برای کاهش خطر ابتلا به فوبیای اطلاعاتی باید به اعتمادسازی در سطح جامعه و میان مردم و حکومت و مردم پرداخت. گفتنی است که این بحران می تواند هم در سطح اول، یعنی تصمیم گیران حکومتی و هم در سطح دوم، یعنی مردم مشاهده شود.

فوبیای اطلاعاتی از عوارض جامعه اطلاعاتی است و از چشم انداز مدیریتی و اقتصادی، خسارت و زیان محسوب می شود. برای کاستن از میزان خسارت که یکی از مهمترین جنبه های مدیریت بحران نیز است، آموزش و افزایش سطح تشخیص اطلاعات درست از غلط نقش مؤثری دارد.


### نتیجه گیری

فرض اساسی در این مقاله این بود که از نظر آسیب شناسی جامعه اطلاعاتی در نتیجه فراهم آوردن امکان انفجار اطلاعاتی و فقر اطلاعاتی، موجب ایجاد فوبیای اطلاعاتی در مصرف کنندگان اطلاعاتی می شود.

در جامعه اطلاعاتی از یک طرف حجم و سرعت تبادل اطلاعات زیاد است و از طرف دیگر نظارت و طبقه بندی درست و علمی بر محتویات جاری در شبکه ها وجود ندارد. این موضوع موجب ایجاد پدیده ای به نام ضد اطلاعات، در کنار مفهوم اطلاعات شده است. در جامعه اطلاعاتی مبنای تشخیص میزان فقر یا غنای کشورها و افراد، میزان دخالت و حضور فعال اطلاعاتی در جامعه اطلاعاتی است و واژه فاصله دیجیتال به تعیین این فاصله می پردازد.

کشورهای بسته از لحاظ اطلاعاتی و آنهایی که فرهنگ به اشتراک گذاشتن اطلاعاتشان ضعیف است و متصدیان تولید، پردازش، طبقه بندی و ارسال اطلاعات و آمار علمی و مستند در شبکه های جامعه اطلاعاتی را ندارند جز کشورهای فقیر در عصر اطلاعات محسوب می شوند.

کشور ایران به دلیل رنج بردن از عوامل مذکور در جامعه اطلاعاتی حضور ضعیفی دارد و فقیر محسوب می‌شود. از طرفی کاربران ایرانی با حجم گسترده‌ای از اطلاعات و ضداطلاعات تشخیص‌ناپذیر مواجه‌اند که مانند هر جای دیگر دنیا افراد مستعد را مبتلا به فوبیای اطلاعاتی می‌کند.

شتاب سریع پیشرفت در فناوری اطلاعاتی و جامعه اطلاعاتی و لزوم نیاز دستیابی به سطح مشخصی از اطلاعات و دانش، شرایط بحرانی در جامعه ایران ایجاد کرده است. به نظر می‌آید با مدیریت دانش و اطلاعات صحیح و علمی، آموزش دائمی نحوه تولید و استفاده از اطلاعات برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و بازنگری در تعریف سواد و... می‌توان راه‌حلهایی برای حل این بحران ارتباطی ارائه داد. 

### منابع و مأخذ

- آقا بخشی - ع (۱۳۸۳) سایت گوگل.
- اسلایک بیندر، الان فیش (۲۰۰۴) «انتقال دانش و حفظ مهارت: نیاز پیوسته فرایند جهانی شدن» - ترجمه جهان‌شاه میرزا بیگی - سایت آینده‌نگری.
- بل - د (۲۰۰۳) «جامعه فراصنعتی در راه» - ترجمه سیده گوران، سایت آینده‌نگری.
- پستمن - ن (۱۳۷۵) «زندگی در عیش، مردن در خوشی» ترجمه صادق طباطبایی - تهران - اطلاعات. 
- جلالی - ع (۲۰۰۴) «عصر مجازی: چهارمین موج تغییر» - سایت آینده‌نگری.
- دراکر - پ (۲۰۰۴) «مدیریت بر دانش: مدیریت بر خود» - ترجمه محمدرضا عسگری، نیما علی‌پور - سایت آینده‌نگری.
- دراکر - پ (۱۳۷۸) چالشهای مدیریت در سده ۲۱، ترجمه محمد طلوع، تهران رسا.
- ستاری فر - م (۱۳۷۴) درآمدی بر سرمایه و توسعه، تهران، انتشارات علامه طباطبایی.
- علی احمد - م، شورستانی - ح (۱۳۸۳) - سایت گوگل.

- کاستلز - م (۱۳۸۰) عصر اطلاعات، پایان هزاره. جلد سوم، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز، تهران، طرح نو.
- کیت - ن (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی سیاسی معاصر جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، کویر.
- محسنی - م (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران، دیدار.
- مشاطیان - ش (۲۰۰۴) «ایران و پیش‌نیازهای جامعه اطلاعاتی» سایت آینده‌نگری.
- مرکز پژوهش اقتصاد آمریکا (۲۰۰۴) «کاهش نرخ رشد اقتصادی در عصر جهانی شدن» - ترجمه زهرا اجاق، روزنامه عصر اقتصاد ۲۱ تیر ۱۳۸۳
- میتراف - ی، گاس انگاس (۱۳۸۱) مدیریت بحران پیش از روی دادن، ترجمه محمود توتونچیان، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ویلکن - پ (۱۳۸۱) اقتصاد سیاسی ارتباطات جهانی و امنیت انسانی، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- Gleason - David. H(1994) Information Anxiety - yahoo.
- May - Christofer (2002) The Information Society - Press.
- article: Information Headquarters Phobia (1383/4/22) - Google



سیده زهرا اجاق

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران. دارای تألیفات در زمینه جامعه اطلاعاتی جهانی شدن، مدرنیته عقلانیت، مدیریت بحران و مدیریت رسانه



پڙو، شڪاھ علوم انسانی و مطالعات فریبگی  
پرتال جامع علوم انسانی